

مجله پژوهش‌های حسابداری مالی
سال چهارم، شماره ۲، شماره پیاپی (۱۲)، تابستان ۱۳۹۱
تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۱۲/۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱/۳۰
صص ۱۴۰-۱۲۳

بررسی رابطه بین ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و دقت پیش‌بینی سود

فرشاد سبزی‌پور^{۱*}، روح اله قیطاسی^{۲*}، سلمان رحمتی^{۳**}

^{*} مربی گروه حسابداری دانشگاه ایلام

f.sabzalipour@mail.ilam.ac.ir

^{**} کارشناس ارشد حسابداری گروه حسابداری دانشگاه ایلام

rgheitasi64@gmail.com

^{***} کارشناس ارشد حسابداری دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

rahmati366@gmail.com

چکیده

پیش‌بینی سود توسط مدیریت از مهمترین منابع اطلاعاتی سرمایه‌گذاران و سایر اشخاص به شمار می‌رود. از سوی دیگر، حاکمیت شرکتی عاملی است که انتظار می‌رود بر بهبود کیفیت اطلاعات افشا شده توسط شرکت‌ها، از جمله اطلاعات مربوط به پیش‌بینی سود تأثیر داشته باشد. هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی (درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره، مالکیت نهادی، دوگانگی وظیفه مدیر عامل و کیفیت حسابرسی) و دقت پیش‌بینی سود است. نمونه آماری شامل تعداد ۹۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۴ است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل رگرسیونی چند متغیره خطی با استفاده از داده‌های ترکیبی به روش کمترین مجذورات تعمیم یافته استفاده شد. یافته‌های تحقیق حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره و عدم رابطه معنادار بین سایر سازوکارهای حاکمیت شرکتی، نظیر مالکیت نهادی، دوگانگی وظیفه مدیر عامل و کیفیت حسابرسی با دقت پیش‌بینی سود است. **واژه‌های کلیدی:** سازوکارهای حاکمیت شرکتی، دقت پیش‌بینی سود، هیأت مدیره، مالکیت نهادی، کیفیت حسابرسی.

۱- مقدمه

سود حسابداری یکی از اقلام مهم صورت‌های مالی است که استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی آن را به عنوان مبنایی برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی به کار می‌برند. پیش‌بینی سود به وسیله مدیریت، از مهمترین منابع اطلاعاتی سرمایه‌گذاران و سایر اشخاص به شمار می‌رود، زیرا در بازارهای سرمایه، یکی از عمده‌ترین راه‌های دستیابی بسیاری از سرمایه‌گذاران به اطلاعات شرکت‌ها، اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌هایی است که از جانب شرکت‌ها در رابطه با اعلام سود پیش‌بینی شده هر سهم منتشر می‌شود. اگر پیش‌بینی‌های سود به وسیله مدیریت از دقت لازم برخوردار باشد می‌تواند به بهبود فرآیند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از گزارش‌های حسابداری منجر گردد.

سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت اطلاعات افشا شده توسط شرکت‌ها، از جمله اطلاعات مربوط به پیش‌بینی‌های سود اثر می‌گذارد. افشای اطلاعات مالی شفاف، مشکلات و مسائل نمایندگی را از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سهامداران به حداقل می‌رساند. در مقابل، افشای ضعیف اطلاعات مالی اغلب باعث گمراهی سهامداران و در نتیجه تأثیرات نامطلوبی بر ثروت آنان می‌گردد. نتیجه تحقیقات قبلی، حاکی از آن است که سازوکارهای حاکمیت شرکتی، نظیر ویژگی‌های هیأت مدیره، ساختارهای مالکیت و کیفیت حسابرسی، رویه‌های افشای اطلاعات مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد [۲۷]. بنابراین، می‌توان گفت حاکمیت شرکتی عاملی است که می‌تواند باعث بهبود کیفیت اطلاعات ارائه شده

توسط مدیریت گردد. اگر افشای پیش‌بینی‌های سود توسط مدیریت به عنوان ابزاری برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سرمایه‌گذاران بالقوه تلقی گردد، اعتبار این پیش‌بینی‌ها از اهمیت در خور توجهی برخوردار است، زیرا دقت پیش‌بینی‌های سود توسط مدیریت در شکل‌گیری اعتماد سرمایه‌گذاران به چنین افشاهایی یک فاکتور حیاتی به شمار می‌رود [۳۱].

باتوجه به مؤلفه‌های به کار رفته در تحقیقات انجام شده در ایران و سایر کشورها در خصوص حاکمیت شرکتی، در این تحقیق به منظور بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و دقت پیش‌بینی سود نسبت مدیران غیرموظف، مالکیت نهادی، دوگانگی وظیفه مدیر عامل و نوع (کیفیت) حسابرس به عنوان سازوکارهای حاکمیت شرکتی استفاده می‌شود.

اهمیت و اهداف تحقیق

ورشکستگی اخیر شرکت‌های بزرگ باعث شده است که جامعه به اهمیت شفافیت و پاسخگویی شرکت‌ها پی ببرند. از سوی دیگر، مراجع قانونگذار حاکمیت شرکتی را به عنوان ابزاری سودمند برای بهبود کیفیت اطلاعات مالی افشا شده توسط شرکت‌ها تلقی می‌کنند [۳۱]. با این فرض که پیش‌بینی‌های سود حاوی اطلاعاتی درباره زمان‌بندی، شکل و صحت آنها باشد، مطالعه رابطه بین افشای پیش‌بینی‌های سود توسط مدیریت و سازوکارهای حاکمیت شرکتی دارای اهمیت است.

برخی از مهمترین تحقیقات داخلی که با محتوای تحقیق حاضر رابطه نزدیکی دارند، ارائه می‌گردد.

تحقیقات خارجی

نورواتی و همکاران (۲۰۱۰) با استفاده از نمونه‌ای شامل ۲۳۵ شرکت مالزی در دوره ۱۹۹۹-۲۰۰۶، به بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و دقت پیش‌بینی‌های سود پرداختند. نتایج آنان نشان داد که کمیته‌های حسابرسی که دارای اعضای غیرموظف هستند و نیز اندازه کمیته حسابرسی با خطای مطلق پیش‌بینی رابطه منفی دارد. به بیان دیگر، اندازه کمیته حسابرسی با دقت پیش‌بینی سود رابطه مثبتی دارد. نتایج آنان حاکی از آن است که هر چقدر اعضای بدون پست اجرایی در کمیته حسابرسی و نیز اندازه کمیته حسابرسی بیشتر باشد، دقت پیش‌بینی‌های سود توسط مدیریت بیشتر است. آنان هیچ رابطه معنی‌داری بین مشخصه‌های هیأت مدیره و دقت پیش‌بینی سود مشاهده نکردند. همچنین نتایج تحقیق آنان حاکی از رابطه مثبت اندازه شرکت با دقت پیش‌بینی سود است. این نتایج بیانگر آن است که پیش‌بینی‌های سود در شرکت‌های بزرگتر از اعتبار بیشتری برخوردار است [۳۱].

آجینکیا و همکاران (۲۰۰۵) به بررسی رابطه ترکیب هیأت مدیره شرکت و سرمایه‌گذاران نهادی با ویژگی‌های پیش‌بینی سود مدیریت پرداختند. در این تحقیق برای آزمون دقت پیش‌بینی سود، خطای پیش‌بینی سود به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. نتایج تحقیق آنان نشان داد که مدیران غیرموظف با دقت پیش‌بینی سود رابطه معنادار مستقیم و درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی نیز با خطای پیش‌بینی سود رابطه معکوس دارد [۹].

با عنایت به تلاش‌هایی که در کشور ما به منظور شناساندن ماهیت نظام حاکمیت شرکتی و اهمیت آن از بعد نظارت بر شرکت‌ها صورت گرفته است، شناخت اثربخشی سازوکارهای حاکمیت شرکتی در ایران و نقش آنها در افزایش دقت پیش‌بینی‌های سود ارائه شده توسط مدیریت از اهداف خاص تحقیق حاضر به شمار می‌رود. نتایج این تحقیق مورد علاقه قانونگذاران بازار سرمایه خواهد بود؛ زیرا این نتایج با ویژگی‌های هیأت مدیره و سایر سازوکارهای حاکمیت شرکتی که کیفیت افشای اطلاعات مالی و در نتیجه دقت پیش‌بینی سود را متأثر می‌سازد، سروکار دارد. علاوه بر این، این نتایج مورد علاقه سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی خواهد بود؛ از این نظر که این نتایج مبنایی را به منظور ارزیابی کمیّت و کیفیت اطلاعات مندرج در پیش‌بینی‌های مدیریت فراهم خواهد کرد.

از سوی دیگر، نتایج این تحقیق شناخت ما را از رابطه بین افشای مالی و سازوکارهای حاکمیت شرکتی افزایش خواهد داد و نیز شواهد بیشتری را در رابطه با نقش سازوکارهای حاکمیت شرکتی در کاهش تضاد منافع بین مدیریت و سهامداران فراهم خواهد نمود.

پیشینه تحقیق

طی سال‌های اخیر، در ایران و سایر کشورها مطالعات زیادی در خصوص اثر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر سایرمتغیرها صورت گرفته است. در ادامه، برخی از تحقیقاتی که در ارتباط با موضوع تحقیق حاضر در سایر کشورها انجام شده و نیز

کارامانو و وافیس (۲۰۰۵) پیش‌بینی‌های سود توسط مدیریت را به عنوان معیاری از کیفیت افشا برای نمونه‌ای از ۲۷۵ شرکت معتبر در آمریکا در طول دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۵ بررسی کردند. آنان دریافتند که درصد اعضای خارجی (غیرموظف) با دقت بیشتر پیش‌بینی که از طریق میزان مطلق خطای پیش‌بینی اندازه‌گیری می‌شود، رابطه مستقیمی دارد. همچنین، در این تحقیق آنان رابطه بین ساختار مالکیت و دقت پیش‌بینی را آزمون کردند و دریافتند که هرچه قدر درصد مالکیت مدیران (اعضای هیأت مدیره) بالاتر باشد، اعتماد به پیش‌بینی سود توسط مدیریت کاهش می‌یابد. شواهد آنان نشان می‌دهد که اندازه هیأت مدیره هیچ رابطه‌ای با دقت پیش‌بینی سود توسط مدیریت ندارد [۲۷].

بدارد و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند که مشخصه-های هیأت مدیره مانند اندازه، استقلال اعضا و دوگانگی وظیفه مدیر عامل رابطه معنی‌داری با باورپذیری پیش‌بینی‌های سود توسط مدیریت ندارد [۱۲].

چاین و همکاران (۲۰۰۶) با استفاده از نمونه‌ای از ۵۲۸ شرکت تایوانی در طول دوره ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ در خصوص رابطه ساختار مالکیت و دقت پیش‌بینی سود به نتایج مشابه با تحقیق کارامانو و وافیس دست یافتند [۱۸].

بیک و برون (۲۰۰۶) رابطه بین شاخص حاکمیت شرکتی و شاخص‌های متعدد کیفیت افشا، نظیر دقت، انحراف و میزان اختلاف (تفاوت) در پیش‌بینی‌های سود توسط تحلیلگران را بررسی کردند. آنان دریافتند که افشاهای صورت گرفته توسط شرکت‌های دارای

حاکمیت شرکتی کارآمد آگاهانه‌تر است. همچنین، آنان دریافتند که دیگر مشخصه هیأت مدیره که با کیفیت افشای رابطه دارد، اندازه هیأت مدیره است [۱۳].

جلیک و همکاران (۱۹۹۸) دریافتند هر اندازه که شرکت بزرگتر باشد، سود شرکت با ثبات‌تر و پیش‌بینی‌های سود توسط مدیریت دارای صحت و دقت بیشتری است. بنابراین، انتظار می‌رود یک رابطه منفی بین اندازه شرکت و سطح خطای مطلق پیش‌بینی وجود داشته باشد [۲۵]. با این حال، فیروز و اسمیت (۱۹۹۲)، چان و همکاران (۱۹۹۶) نتایج معکوسی را مشاهده کردند. فیروز و اسمیت بیان نمودند که شرکت‌های بزرگتر نسبت به شرکت‌های کوچکتر سرمایه بیشتری را به دست می‌آورند، بنابراین، پیش‌بینی آنها مشکل‌تر و دارای دقت کمتری است. بنابراین، انتظار می‌رود که رابطه بین اندازه شرکت و دقت پیش‌بینی در دو جهت متفاوت باشد [۲۱]، [۱۴].

چنگ و کورتنی (۲۰۰۶) نشان دادند شرکت‌هایی که دارای نسبت بالاتری از اعضای مستقل هیأت مدیره هستند یا اکثر اعضای هیأت مدیره آنان را اعضای مستقل تشکیل می‌دهد، دارای سطوح بالاتری از افشای اختیاری هستند. این حاکی از آن است که تعداد اعضای هیأت مدیره مستقل با کیفیت بالاتر افشای مالی رابطه مستقیم دارد [۱۶].

گودوین و لین سئو (۲۰۰۲) تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی را بر کیفیت گزارشگری مالی در سنگاپور بررسی کردند. نتایج نشان داد که وجود

عرب صالحی و ضیایی (۱۳۸۹) رابطه بین کیفیت سود و نظام راهبری را بررسی کردند. در این تحقیق کیفیت سود بر اساس مفهوم رابطه بین سود، اقلام تعهدی و وجه نقد و با معیار نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی به سود عملیاتی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج آنان حاکی از رابطه معنادار کیفیت سود با نسبت اعضای غیرموظف و اندازه هیأت مدیره با کیفیت سود است [۴].

مشایخی و اسماعیلی (۱۳۸۵) رابطه بین کیفیت سود و تعداد مدیران غیرموظف و درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره را بررسی کردند. در این تحقیق، کیفیت سود از جنبه تداوم سودآوری مورد سنجش قرار گرفت. آنان به این نتیجه رسیدند که این دو متغیر بر ارتقای کیفیت سود تأثیر قابل توجهی دارد [۵].

مشایخی و محمدآبادی (۱۳۸۹) رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی را با کیفیت سود بررسی نمودند. آنان از کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود و توان پیش‌بینی آن به عنوان سنجه‌های کیفیت سود استفاده کردند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که با بیشتر شدن تعداد جلسات هیأت مدیره و افزایش حضور مدیران غیرموظف در آن، کیفیت (پایداری و توان پیش‌بینی) سود حسابداری افزایش یافته است. این در حالی است که بین تفکیک مسئولیت‌های مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره از یکدیگر و کیفیت (پایداری و توان پیش‌بینی) سود رابطه معناداری وجود ندارد. یافته‌ها حاکی از نبود رابطه معنادار بین کیفیت اقلام تعهدی، به عنوان یکی از سنجه‌های کیفیت سود، با مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی است [۶].

مهرانی، صفرزاده (۱۳۹۰) به بررسی تبیین رابطه حاکمیت شرکتی و کیفیت سود با رویکرد بومی

کمیته حسابرسی، حسابرسی داخلی و قانون شرکت‌ها با کیفیت گزارشگری مالی رابطه دارد [۲۲].

۲- تحقیقات داخلی

ابراهیمی کردلر و اعرابی (۱۳۸۹) رابطه تمرکز مالکیت و کیفیت سود را بررسی کردند. آنان برای ارزیابی کیفیت سود از ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری مطابق با مفاهیم نظری استانداردهای حسابداری ایران (مربوط بودن و قابل اتکا بودن) استفاده کردند. نتایج نشان داد که تمرکز مالکیت برون سازمانی به بهبود کیفیت سود منجر می‌شود. این در حالی است که شواهد قانع‌کننده‌ای در ارتباط با تأثیرگذاری بلوک‌داران درون سازمانی بر کیفیت سود یافت نشد [۱].

اسماعیل‌زاده مفری و همکاران (۱۳۸۹) تأثیر حاکمیت شرکتی را بر کیفیت سود بررسی کردند. آنها به منظور آزمون کیفیت سود از اندازه‌گیری سطح معوقات و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از تحلیل پانلی استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان داد که بین درصد مالکیت سهامداران نهادی، تعداد بلوک سهامداران عمده، درصد مدیران غیرموظف، دوگانگی وظیفه مدیر عامل و اندازه حسابرسی شرکت با کیفیت سود رابطه معناداری وجود دارد [۲].

آقایی و چالاک (۱۳۸۸) رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود را بررسی نمودند. در این تحقیق برای اندازه‌گیری کیفیت سود از اقلام تعهدی غیرعادی استفاده شد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بین مالکیت نهادی و استقلال هیأت مدیره با مدیریت سود رابطه معنادار منفی وجود دارد، اما سایر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی با مدیریت سود رابطه معناداری ندارند [۳].

از آنجا که نظارت اعضای غیر موظف هیأت مدیره بر رویه‌های افشا موجب شفافیت بیشتر می‌گردد، انتظار می‌رود با افزایش درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره، تمایل به افشای پیش‌بینی‌های دقیقتر سود توسط مدیریت افزایش یابد.

فرضیه ۲: بین درصد مالکیت نهادی و دقت پیش‌بینی سود رابطه معناداری وجود دارد.

با این فرض که افشاهای شرکت، بویژه افشای پیش‌بینی‌های سود توسط سهامداران نهادی نظارت و کنترل می‌گردد، انتظار می‌رود وجود سهامداران نهادی و افزایش درصد مالکیت آنان موجب تمایل شرکت به ارائه پیش‌بینی‌های دقیقتر سود گردد.

فرضیه ۳: بین نوع حسابرس و دقت پیش‌بینی سود توسط مدیریت رابطه معناداری وجود دارد.

مؤسسات حسابرسی در فرآیند گزارشگری مالی نقش کلیدی ایفا می‌کنند. عموماً مؤسسات حسابرسی بزرگ و دارای شهرت بالا خدمات متنوع و با کیفیتی ارائه می‌کنند که این می‌تواند به ارائه اطلاعات و گزارشگری مالی با کیفیت منجر شود. لی و همکاران (۲۰۰۶) و کورمایر و مارتینز (۲۰۰۶) نشان دادند که حسابرسی با کیفیت بالاتر با دقت پیش‌بینی بالاتر سود رابطه مثبت و معناداری دارد. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که مؤسسات حسابرسی دارای شهرت (بزرگ) شرکت‌ها را به ارائه پیش‌بینی‌های دقیقتر سود ترغیب می‌کنند.

فرضیه ۴: بین دوگانگی وظیفه مدیر عامل و دقت پیش‌بینی سود رابطه معناداری وجود دارد.

زمانی که مدیر عامل همزمان رئیس هیأت مدیره است، ممکن است به تضاد منافع و از دست رفتن استقلال وی منجر گردد. قدرت تصمیم‌گیری متمرکز

پرداختند. آنان برای سنجش کیفیت سود از هفت معیار استفاده کردند. این معیارها شامل کیفیت ارقام تعهدی، پایداری سود، توان پیش‌بینی سود، ارتباط ارزشی سود، هموارسازی سود، محافظه‌کاری سود و بموقع بودن سود هستند. نتایج نشان داد که حاکمیت شرکتی با معیارهای کیفیت ارقام تعهدی، پایداری سود، هموارسازی سود و محافظه‌کاری سود ارتباط منفی معنادار و با معیارهای توان پیش‌بینی سود و بموقع بودن سود ارتباط مثبت معنادار دارد، اما با معیار ارتباط ارزشی سود رابطه ندارد [۷].

نصرالهی و عارف منش (۱۳۸۹) رابطه بین مالکیت و کیفیت سود را بررسی نمودند. آنان برای ارزیابی کیفیت سود از ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری مطابق با مفاهیم نظری استانداردهای حسابداری ایران استفاده کردند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که وجود سرمایه‌گذاران نهادی در ساختار مالکیت شرکت‌ها موجب ارائه اطلاعات صادقانه، مربوط‌تر و بیطرفانه و بموقع می‌شود و تمرکز مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی باعث کاهش کیفیت سود می‌گردد [۸].

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به هدف تحقیق حاضر مبنی بر بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر دقت پیش‌بینی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فرضیات به شرح زیر تدوین و مورد آزمون قرار می‌گیرد.

فرضیه ۱: بین درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره و دقت پیش‌بینی سود رابطه معناداری وجود دارد.

باشد، دقت پیش‌بینی سود بیشتر است. به بیان دیگر، هر چقدر مدیریت شرکت پیش‌بینی دقیق‌تری را انجام دهد، میانگین مقدار AFE باید کمتر و به صفر نزدیکتر گردد.

۲- متغیرهای مستقل

طی سال‌های اخیر در بسیاری از کشورها تأثیر سازوکارهای مختلف حاکمیت شرکتی، نظیر نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره، اندازه هیأت مدیره، مدت زمان تصدی مدیر عامل در هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره، نوع (کیفیت) حسابرسی، کمیته حسابرسی، دوگانگی وظیفه مدیر عامل، ساختار و تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی و غیره بر سایر متغیرها بررسی شده است. در پژوهش حاضر با مرور تحقیقات گذشته در ارتباط با موضوع تحقیق، از بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی، نسبت مدیران غیرموظف، سرمایه‌گذاران نهادی، نوع (کیفیت) حسابرس و دوگانگی وظیفه مدیر عامل به عنوان متغیرهای مستقل انتخاب و تأثیر آنها بر دقت پیش‌بینی سود بررسی می‌گردد. در ادامه، چگونگی محاسبه این متغیرها و دلیل انتخاب آنها با استناد به تحقیقات انجام شده قبلی تشریح می‌گردد.

۱-۲- درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره (RNE)

عبارت است از نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره به کل اعضای هیأت مدیره.

مدیران غیرموظف نسبت به مدیران موظف از نظر نظارت بر مدیریت در جایگاه بهتری قرار دارند، زیرا آنها از کارکنان شرکت نیستند و در نتیجه دارای انگیزه بیشتری برای نظارت بر مدیریت هستند [۲۰]. از این رو، انتظار می‌رود درصد اعضای غیرموظف

در نتیجه دوگانگی وظیفه مدیر عامل، موجب کاهش استقلال هیأت مدیره و کاهش گرایش طبیعی آن برای افشای اطلاعات با کیفیت می‌گردد [۳۲]. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که بین دوگانگی وظیفه مدیر عامل و دقت پیش‌بینی سود رابطه وجود داشته باشد.

اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق

۱- متغیر وابسته

در تحقیق حاضر با استناد به مطالعات بامبر و چاون [۱۰] و کارامانو و وایس [۲۷] پیش‌بینی سود توسط مدیریت به منظور بررسی رابطه ابزارهای حاکمیت شرکتی و کیفیت افشای مالی انتخاب و دقت پیش‌بینی سود به عنوان معیاری از کیفیت افشا مورد توجه قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، به منظور سنجش دقت پیش‌بینی سود از مدل چنگ و فیث [۱۷] استفاده می‌شود؛ بدین معنی که دقت پیش‌بینی سود با توجه به سطح خطای پیش‌بینی سود سنجیده می‌شود. خطای پیش‌بینی سود از طریق تفاوت سود واقعی و سود پیش‌بینی شده هر سهم تقسیم بر قدر مطلق سود پیش‌بینی شده هر سهم و به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$AFE = \frac{A_{i,T} - F_{i,T}}{|F_{i,T}|}$$

که در آن داریم:

AFE = خطای پیش‌بینی سود؛

$A_{i,T}$ = سود واقعی هر سهم شرکت i برای دوره

T ؛

$F_{i,T}$ = سود پیش‌بینی شده هر سهم شرکت i

برای دوره T .

دقت پیش‌بینی سود با توجه به مقدار AFE سنجیده می‌شود، به طوری که هر چقدر AFE کمتر

کیفیت افشای اطلاعات مالی، از جمله افشای پیش‌بینی سود را افزایش دهند. به بیان دیگر، اگر سرمایه‌گذاران نهادی به عنوان ناظری مؤثر بر فرآیند حسابداری مالی باشند، در این صورت محتوای اطلاعاتی سودهای پیش‌بینی شده حسابداری به علت افزایش در قابلیت اتکای سود می‌تواند با افزایش میزان مالکیت نهادی افزایش یابد [۴].

۳-۲- نوع حسابرس (AUD)

کیفیت حسابرسی به طور مستقیم با حاکمیت شرکتی و سازوکارهای نظارتی رابطه معناداری دارد [۲۹]. به طور معمول، پذیرفته شده است که مؤسسات حسابرسی مشهور در بیشتر موارد خدمات با کیفیتی را ارائه می‌کنند که این می‌تواند به ارائه اطلاعات و گزارشگری مالی با کیفیت منجر شود. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که نوع حسابرس با کیفیت گزارشگری مالی و در نتیجه دقت پیش‌بینی سود رابطه داشته باشد. لی و همکاران (۲۰۰۶) به این نتیجه رسیدند که کیفیت بالاتر حسابرسی با دقت پیش‌بین سود رابطه مثبت و معناداری دارد [۲۸]. با توجه به اینکه کیفیت حسابرسی دارای یک ساختار پنهان و چند بعدی است و تعریف جامعی از آن وجود ندارد، معیارهایی، نظیر اندازه و قدمت مؤسسات به عنوان جانشینی برای کیفیت حسابرسی در نظر گرفته می‌شود [۷]. با عنایت به این توضیحات، در این تحقیق متغیر مستقل نوع حسابرس به عنوان یک متغیر موهومی در نظر گرفته می‌شود؛ بدین معنی که اگر حسابرس سازمان حسابرسی باشد،

هیأت مدیره بیشتر با شفافیت بیشتر، نظارت بهتر و افزایش افشای اختیاری رابطه داشته باشد. در بسیاری از مطالعات، رابطه درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره با افشای اختیاری مدیریت تأیید شده است [۳۰، ۲۲]. آجاین کیا و همکاران (۲۰۰۵) رابطه مثبت معنادار بین پیش‌بینی‌های سود مدیریت و درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره در آمریکا کشف نمودند [۹]. لیم و همکاران (۲۰۰۷) رابطه مثبت و معناداری بین درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره و افشای اختیاری در استرالیا کشف نمودند. آنان نشان دادند که حاکمیت شرکتی کارآمد، کیفیت و کمیت اطلاعات افشا شده توسط مدیریت را افزایش و اطلاعات نامتقارن را کاهش می‌دهد [۳۰].

۳-۲- مالکیت نهادی (INSOWN)

عبارت است از مجموع درصد سهام نگهداری شده توسط سهامداران نهادی، نظیر بانک‌ها، بیمه‌ها، شرکت‌های هلدینگ، نهادهای مالی، سازمان‌ها و نهادها و شرکت‌های دولتی.

جدا از نقشی که هیأت مدیره در کنترل و نظارت بر شرکت دارد، تحقیقات حاکی از نقش نظارتی و کنترلی سهامداران است. سهامداران، بویژه سرمایه‌گذاران نهادی، که میزان مالکیت آنان در شرکت نسبتاً متمرکز و بیشتر است، در نظام راهبری شرکت نقشی مهم ایفا می‌کنند. با توجه به اینکه سهامداران نهادی گروه‌هایی متخصص و حرفه‌ای هستند که انگیزه و توانایی بیشتری برای دریافت اطلاعات بموقع و نیز ارزیابی افشاهای مالی مدیریت دارند، می‌توانند بر مدیریت شرکت نظارت بهتری داشته و از این طریق

باعث می‌گردد سود آنها دارای نوسان پذیری کمتر، قابلیت پیش‌بینی بیشتر و دقت بیشتری باشد. از سوی دیگر، شرکت‌های کوچکتر دارای سود باثبات کمتری هستند، در نتیجه مدیریت فرصت کمتری برای پیش‌بینی دقیقتر سود در اختیار دارد [۱۱]، [۲۱].

۲-۳- عمر شرکت (AGE): لگاریتم تعداد سنوات عمر واحد تجاری

مطالعات نشان داده‌اند که هر چه قدر عمر شرکت طولانی‌تر باشد، دقت پیش‌بینی بیشتر است. علت این موضوع آن است که پیش‌بینی سود برای شرکت‌های تازه تاسیس در مقایسه با شرکت‌های دارای عمر بیشتر خیلی مشکل‌تر است. جلیک و همکاران (۱۹۹۸) نشان دادند که پیش‌بینی سود شرکت‌هایی که دارای پیشینه تاریخی عملیاتی نیستند، احتمالاً خیلی مشکل‌تر است، زیرا وجود داده‌های تاریخی یکی از عناصر خیلی مهم در فرآیند پیش‌بینی است [۲۵]. از سوی دیگر، جاگی و همکاران (۲۰۰۶) بیان کردند که شرکت‌های تازه تاسیس تر ممکن است قادر به درک کامل تأثیرات محیطی بر عملکرد آتی آنها نباشند و عدم مبنای تاریخی ممکن است مانع ارائه پیش‌بینی دقیق از سوی آنان گردد [۲۴].

۳-۳- اهرم (LEV): نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها

چن و همکاران (۲۰۰۷) بیان نمودند پیش‌بینی سود شرکت‌هایی که دارای سطح بالایی از بدهی هستند، نسبت به سایر شرکت‌ها مشکل‌تر است. تغییر پذیری سود و اهرم به عنوان معیارهای اندازه‌گیری ریسک شرکت در تحقیقات قبلی مورد توجه

عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود.

۴-۲- دوگانگی وظیفه مدیر عامل (DUAL)

دوگانگی وظیفه مدیر عامل به حالتی گفته می‌شود که مدیرعامل رئیس هیأت مدیره است. این وضعیت باعث می‌گردد مدیرعامل دارای اختیار بیشتری شود تا اطلاعات در دسترس سایر اعضا را کنترل کند و در نتیجه ممکن است از نظارت مؤثر جلوگیری به عمل آورد [۲۶]. قدرت تصمیم‌گیری متمرکز در نتیجه دوگانگی وظیفه مدیر عامل ممکن است موجب کاهش استقلال هیأت مدیره و کاهش گرایش طبیعی آن برای افشای اختیاری اطلاعات گردد [۳۲].

۳- متغیرهای کنترلی

در بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته ممکن است عوامل دیگری نیز مؤثر باشند که در نظر نگرفتن آنها موجب نتیجه‌گیری نادرست گردد. بر اساس مطالعات قبلی [۹، ۲۷] انجام شده در سایر کشورها در خصوص موضوع تحقیق، به منظور کنترل سایر عوامل احتمالی تأثیرگذار بر دقت پیش‌بینی‌های سود و در نتیجه، افزایش روایی درونی تحقیق متغیرهای کنترلی به شرح زیر در مدل تحقیق وارد می‌گردد:

۳-۱- اندازه شرکت (SIZE): لگاریتم طبیعی

ارزش بازار شرکت

شواهد موجود در ادبیات تحقیق حاکی از آن است که پیش‌بینی سود شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک آسانتر است. فیروز و اسمیت (۱۹۹۲) و براون و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند که شرکت‌های بزرگ بر بازار کنترل بیشتری دارند و این

باشد، برابر عدد ۱ و در غیر این صورت برابر صفر در نظر گرفته می‌شود؛

SIZE: اندازه شرکت. برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت؛

AGE: عمر شرکت. برابر است با لگاریتم تعداد سنوات عمر شرکت از تاریخ تاسیس؛

LEV: اهرم برابر است نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها.

روش پژوهش، جامعه آماری و روش گردآوری

داده‌ها

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه توصیفی است. همچنین از آنجا که ارتباط بین ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و دقت پیش‌بینی سود مد نظر است، از نوع همبستگی است که برای بررسی دقیق‌تر رابطه متغیرها از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

جامعه آماری تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای انتخاب نمونه آماری از روش حذف نظام‌مند استفاده می‌شود؛ بدین معنی که شرکت‌هایی که دارای ویژگی‌های زیر بودند، به عنوان نمونه آماری انتخاب و مابقی حذف شدند:

- ۱- جزو شرکت‌های صنایع واسطه‌گری، سرمایه‌گذاری، لیزینگ و شرکت‌های بیمه نباشند.
- ۲- پیش از سال ۱۳۸۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- ۳- به دلیل افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

قرار گرفته‌اند. این تحقیقات حاکی از آن است که پیش‌بینی سود شرکت‌های ریسکی که دارای اهرم مالی بالاتری هستند، مشکل‌تر بوده و در نتیجه از دقت کمتری برخوردار است [۱۵].

مدل رگرسیونی تحقیق

با توجه به توضیحاتی که در خصوص انتخاب متغیرهای تحقیق ارائه گردید، مدل رگرسیونی چند متغیره تحقیق که به منظور آزمون فرضیات استفاده می‌شود، به شرح زیر است:

$$AFE_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 RNE_{it} + \alpha_2 INSOWN_{it} + \alpha_3 AUD_{it} + \alpha_4 DUAL_{it} + \alpha_5 SIZE_{it} + \alpha_6 AGE_{it} + \alpha_7 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

AFE: خطای پیش‌بینی سود مدیریت؛

RNE: درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره که برابر است با نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره به کل اعضای هیأت مدیره؛

INSOWN: مالکیت نهادی که برابر است با مجموع درصد سهام نگهداری شده توسط سهامداران نهادی، نظیر بانک‌ها، بیمه‌ها، شرکت‌های هلدینگ، نهادهای مالی، سازمان‌ها و نهادهای شرکت‌های دولتی؛

AUD: نوع حسابرس به عنوان شاخصی از کیفیت حسابرسی و به صورت یک متغیر دو وجهی در نظر گرفته شده است که اگر سازمان حسابرسی به عنوان حسابرس انتخاب گردد، برابر با عدد ۱ و در غیر این صورت صفر است؛

DUAL: دوگانگی وظیفه مدیرعامل. یک متغیر دو وجهی است که اگر مدیر عامل رئیس هیأت مدیره

آماري و مشاهده شده به دست می‌آید. این آزمون از طریق نرم‌افزار SPSS قابل انجام است. مقدار قدر مطلق آماره Z و سطح معناداری (sig) آن در نگاره ۱ ارائه شده است. با توجه به این نگاره، از آنجا که سطح معناداری (sig) بیشتر از ۰.۰۵ است، بنابراین در سطح خطای ۰.۰۵ نرمال بودن توزیع متغیر تایید می‌گردد.

نگاره ۱- آزمون K-S

آماره کلموگروف-اسمیرنف (K-S Z)	۰/۶۲۵
سطح معناداری (sig)	۰/۲۲۷

۲- آزمون همخطی

وجود همخطی بالا بین متغیرهای مستقل باعث می‌گردد که با وجود بالا بودن ضریب تعیین، اعتبار مدل مورد تردید قرار گیرد. به همین علت، ابتدا وجود همخطی بین متغیرهای مستقل بررسی می‌گردد. بدین منظور، از دو شاخص تولرانس و عامل تورم واریانس استفاده می‌شود. وجود تولرانس کمتر (نزدیک به صفر) و عامل تورم واریانس بیشتر باعث نامناسب بودن مدل رگرسیون برای پیش‌بینی می‌گردد. عموماً مشکل همخطی چندگانه زمانی وجود دارد که هر کدام از عامل تورم واریانس‌ها بیش از عدد ۱۰ باشد. نتایج این آزمون در دو ستون آخر نگاره ۳ ارائه می‌گردد.

۳- آزمون دوربین-واتسون

محقق زمانی می‌تواند از رگرسیون خطی استفاده و بر نتایج حاصل از آن اتکا کند که اجزای خطا در مدل برازش شده مستقل باشند. برای آزمون این مطلب از آماره دوربین-واتسون استفاده می‌شود. اگر

۴- در طی سال‌های ۸۴ تا ۸۹ زیان ده نبوده و تغییر فعالیت یا دوره مالی نداده باشند.

۶- سود پیش‌بینی شده هر سهم شرکت در پایان سه ماهه سوم اعلام شده باشد.

با در نظر گرفتن شرایط فوق، تعداد نمونه انتخابی از جامعه آماری، تعداد ۹۶ شرکت و به عبارتی ۵۷۶ مشاهده (سال-شرکت) است. داده‌های مورد نیاز از صورت‌های مالی حسابرسی شده، یادداشت‌های همراه و گزارش‌های سالیانه هیأت مدیره شرکت‌ها استخراج گردید. بدین منظور، از نرم افزار تدبیرپرداز و همچنین سایت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی بورس اوراق بهادار تهران استفاده گردید. پس از جمع آوری داده‌ها، ابتدا این داده‌ها در محیط نرم‌افزار اکسل مرتب گردید و پس از انجام محاسبه‌های مورد نیاز، تجزیه و تحلیل نهایی آنها به کمک نرم افزار Eviews انجام شد.

پیش از آزمون فرضیه‌ها به منظور اطمینان از برقراری پیش‌فرض استفاده از مدل رگرسیونی و نیز اطمینان از قابل اتکا بودن نتایج، آزمون همخطی، نرمال بودن کلموگروف-اسمیرنف و آزمون دوربین-واتسون انجام گردید. این آزمون‌ها در ادامه تشریح می‌گردند.

۱- آزمون نرمال بودن جمله‌های خطا

برای بررسی نرمال بودن جمله‌های خطا از آزمون کلموگروف-اسمیرنف (K-S) استفاده می‌شود. اگر اجزای باقیمانده از توزیع نرمال برخوردار باشند، می‌توان ادعا کرد که جامعه نیز دارای توزیع نرمال است. آماره Z (توزیع نرمال استاندارد) کلموگروف-اسمیرنف از بزرگترین قدرمطلق تفاضل بین دو توزیع

آماري به رگرسيون چندگانه آزمون مربوط مي‌گردند که در اين راستا از آزمون F به منظور تعيين معناداري کلي مدل رگرسيون و از آزمون t استودنت براي بررسي معناداري ضرايب رگرسيوني در سطح اطمینان ۹۵٪ استفاده گرديد.

اين آماره بين ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، مي توان بر اين مطلب صحه گذاشت که اجزای خطا در اين مدل، همبستگي معنی داری با یکدیگر نداشته و رفتاری مستقل از هم دارند و در نتیجه، امکان استفاده از مدل رگرسيون براي آزمون فرضیه‌ها وجود دارد. نتایج این آزمون در نگاره ۳ ارائه می‌گردد.

یافته‌های تحقیق

با عنایت به مطالبی که در بخش‌های قبل بیان شد، در این تحقیق از بین ساز و کارهای حاکمیت شرکتی، درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره، مالکیت نهادی، دوگانگی وظیفه مدیر عامل، و نوع حسابرس به عنوان متغیرهای مستقل انتخاب و تأثیر آنها بر دقت پیش‌بینی سود بررسی گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا آماره‌های توصیفی متغیرها شامل شاخص‌های مرکزی و شاخص‌های پراکندگی در نگاره ۲ ارائه می‌گردد. سپس نتایج حاصل از آزمون‌های آماری مربوطه به منظور بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در نگاره شماره ۳ ارائه می‌گردد.

آزمون فرضیه‌ها

برای برآورد مدل رگرسيون خطی معمولاً از روش کمترین مجزورات معمولی استفاده می‌شود، زیرا این روش دارای ویژگی‌های مطلوب آماری، مانند بهترین برآورد کننده خطی بدون تورش است، اما برای رفع مشکلاتی مانند ناهمسانی واریانس، از روش کمترین مجزورات تعمیم یافته استفاده می‌شود. به منظور تعیین نوع مدل رگرسيون از آزمون F لیمر استفاده شد. احتمال آماره F بیشتر از ۰.۵٪ است که حاکی از ارجح بودن مدل رگرسيون ترکیبی بر رگرسيون پانل به روش تأثیرات ثابت است. بنابراین، روش آماری به کار رفته در تحقیق حاضر روش رگرسيون با استفاده از داده‌های ترکیبی است. فرضیه‌ها از طریق نتایج

نگاره ۲- آماره‌های توصیفی

انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	
۰/۶۱۸	-۲/۴۰۶	۳/۹۹۵	۰/۰۵۸	خطای پیش‌بینی سود
۰/۱۲	۰/۴۰۱	۰/۷۵	۰/۵۰۴	درصد اعضای غیرموظف
۱۹/۱۰۷	۰/۰۰	۱۰۰/۰	۶۳/۲۷۰	مالکیت نهادی
۰/۴۲۸	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۲۴۱	نوع حسابرس
۰/۰۸۶	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰۸	دوگانگی وظیفه مدیرعامل
۱/۳۶۲	۹/۳۱۴	۱۵/۲۷۵	۱۲/۳۴۱	اندازه شرکت
۸/۴۲۹	۵/۰۰	۵۷/۰۰	۲۶/۷۰	عمر شرکت
۰/۱۷۲	۰/۲۴۶	۱/۱۲۰	۰/۸۰۴	اهرم

(۰/۱۹۵) حاکی از آن است که حذف برخی از متغیرهای کنترلی از مدل رگرسیونی توان تبیین مدل را به طور عمده تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و رابطه متغیرهای مستقل و وابسته تحت تأثیر متغیرهای کنترلی قرار ندارد. البته، ضریب متغیر کنترلی اندازه شرکت با توجه به آماره t و سطح معناداری آن (۰/۰۴۷) معنادار است و لذا مشمول این قاعده قرار نمی‌گیرد. معنادار بودن متغیر اندازه شرکت با نتایج تحقیق فیرز و اسمیت [۲۱]، براون و همکاران [۱۱] همخوانی دارد. آنان به این نتیجه دست یافتند که سود شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک از دقت پیش‌بینی بیشتری برخوردار است.

همان طوری که نتایج آزمون همخطی در دو ستون آخر نگاره ۳ نشان می‌دهد، عامل تورم واریانس متغیرهای مستقل کمتر از ۱۰ و تولرانس نزدیک به عدد ۱ است، بنابراین همخطی چندگانه تهدیدی برای مدل نیست. مقدار آماره دوربین - واتسون (۱/۸۵۲) نیز نشان‌دهنده استقلال خطاها از یکدیگر است و نشان می‌دهد که امکان استفاده از مدل رگرسیون برای آزمون فرضیه‌ها وجود دارد. از سوی دیگر، مقدار آماره F (۱۲/۸۴۷) و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) بیانگر معناداری کلی مدل رگرسیون است که این نشان می‌دهد حداقل یک متغیر توضیحی وجود دارد که بر تغییرات متغیر وابسته موثر است. همچنین، تفاوت کم بین R^2 (۰/۲۲۷) و R^2 تعدیل شده

نگاره ۳- نتایج آزمون فرضیه‌ها

آماره‌های همخطی		متغیر وابسته: خطای پیش‌بینی سود				
عامل تورم واریانس	تولرانس	sig	آماره آزمون t	ضریب	خطای استاندارد	متغیرها
۱/۵۹۲	۰/۶۴۱	۰/۱۲۷	۲/۳۱۸	۱۴/۷۲	۰/۰۴۶۳	مقدار ثابت
۲/۷۰۲	۰/۹۸۳	۰/۰۱۶	-۰/۹۸۴	-۷/۳۲	۰/۱۰۴۹	درصد اعضای غیرموظف
۱/۴۶۵	۰/۷۲۹	۰/۲۸۱	۳/۶۰۸	۱/۸۶	۰/۰۰۷۲	مالکیت نهادی
۱/۸۳۵	۰/۸۰۲	۰/۴۱۵	۲/۴۵۹	۵/۳۱	۰/۰۸۱۶	نوع حسابرس
۱/۰۳۹	۰/۴۹۳	۰/۱۱۹	-۱/۳۰۱	-۲/۰۵	۱/۰۲۹۴	دوگانگی وظیفه مدیرعامل
۲/۰۵۴	۰/۵۵۹	۰/۰۴۷	۱/۰۹۳	۲/۹۳	۰/۰۶۵۱	اندازه شرکت
۱/۶۴۱	۰/۷۶۸	۰/۳۱۹	۸/۳۵۷	۱/۱۶	۰/۰۰۹۲	عمر شرکت
۱/۵۲۸	۰/۹۲۱	۰/۲۰۵	۴/۷۷۵	۳/۰۵	۰/۰۰۱۷	اهرم
۱۲/۸۴۷			آماره آزمون F			
۰/۰۰۰			سطح معناداری			
۰/۲۲۷			R^2			
۰/۱۹۵			R^2 تعدیل شده			
۱/۸۵۲			آماره دوربین - واتسون			

بین درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره و دقت پیش‌بینی سود توسط مدیریت رابطه معناداری وجود دارد.

تجزیه و تحلیل نتایج آزمون فرضیه‌ها
فرضیه ۱:

را می‌توان این گونه تحلیل کرد که در ایران عمده سهامداران نهادی از نهادهای دولتی و شبه دولتی هستند که وابستگی آنان به دولت می‌تواند انگیزه آنها را در نظارت مؤثر بر کیفیت فرآیند گزارشگری مالی کاهش دهد. دلیل دیگر در خصوص کاهش انگیزه آنان بر کیفیت گزارشگری مالی را می‌توان ناشی از این دانست که آنان قادرند اطلاعات مورد نیاز خود را از طریق سایر منابع اطلاعاتی کسب کنند و در نتیجه، علاقه چندانی به پیش‌بینی‌های سود ارائه شده توسط مدیریت و کیفیت بالای آن ندارند. این یافته با نتایج تحقیق آجانکی و همکاران [۹] مغایر است.

فرضیه ۳:

بین نوع حسابرس و دقت پیش‌بینی سود توسط مدیریت رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به نگاره ۳، میزان آماره t و سطح معناداری مربوط به متغیر مستقل نوع حسابرس (۰/۲۴۱) بیانگر عدم رابطه معنادار بین نوع حسابرس و دقت پیش‌بینی سود در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵٪) است. اگر چه انتظار می‌رفت مؤسسات حسابرسی در فرآیند گزارشگری مالی نقش کلیدی ایفا کرده و به افزایش کیفیت گزارشگری مالی و دقت پیش‌بینی سود منجر گردند، اما نتایج حاکی از عدم تأثیر نوع حسابرس به عنوان شاخصی از کیفیت حسابرسی بر دقت پیش‌بینی سود است. شاید یکی از دلایل این نتیجه، نحوه لحاظ کردن این متغیر (نوع حسابرس) در مدل این تحقیق باشد؛ بدین معنی که در این تحقیق از یک طبقه‌بندی دوجویی برای تقسیم نوع مؤسسات حسابرسی استفاده شده است و سازمان

با توجه به نگاره ۳، و مقادیر آماره t (۰/۹۸۴-) و سطح معناداری مربوط به آن (۰/۰۱۶) بین درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره با خطای پیش‌بینی سود رابطه معنادار منفی وجود دارد و از آنجا که دقت پیش‌بینی سود با توجه به سطح خطای پیش‌بینی تعریف می‌گردد، به عبارتی دیگر، دقت پیش‌بینی سود معکوس سطح خطای پیش‌بینی است، می‌توان نتیجه گرفت بین درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره با دقت پیش‌بینی سود رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این نتیجه را می‌توان این گونه تحلیل کرد که از دیدگاه نظریه نمایندگی مدیران غیرموظف وظیفه نظارت بر سایر اعضای هیأت مدیره را بر عهده دارند. همچنین، با توجه به این که اعضای غیرموظف از کارکنان شرکت نیستند نسبت به مدیران موظف برای نظارت بهتر مدیریت در جایگاه بهتری قرار دارند، بنابراین وجود آنها باعث بهبود کیفیت ارقام مالی، کیفیت سود و در نتیجه افزایش دقت پیش‌بینی سود می‌گردد. این نتایج با یافته‌های تحقیق آجانکی و همکاران [۹]، کارامانو و وافیس [۲۷] مشابه است.

فرضیه ۲:

بین درصد مالکیت نهادی و دقت پیش‌بینی سود توسط مدیریت رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به نگاره ۳، مقادیر آماره t (۳/۶۰۸) و سطح معناداری مربوط به آن (۰/۲۸۱) بیانگر عدم رابطه معنادار مالکیت نهادی با دقت پیش‌بینی سود در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. به بیان دیگر، افزایش درصد مالکیت سهامداران نهادی با تمایل شرکت به ارائه پیش‌بینی‌های دقیق‌تر سود رابطه ندارد. این نتیجه

متغیرهای مستقل و در نظر گرفتن تعدادی متغیر کنترلی تدوین گردید. اگر چه با مرور ادبیات مربوط به موضوع تحقیق انتظار می‌رفت این ساز و کارهای حاکمیت شرکتی با دقت پیش‌بینی سود رابطه معناداری داشته باشند، لیکن نتایج حاکی از آن است که تنها درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره با دقت پیش‌بینی سود رابطه معناداری دارد. این نتیجه؛ یعنی رابطه معنادار مثبت بین درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره با دقت پیش‌بینی سود، با نتایج تحقیق آجینکیا و همکاران [۱۰] و کارامانو و وافیس [۲۷] مشابه است.

پیشنهادهای مبتنی بر نتایج تحقیق

با توجه به نتایج این تحقیق مبنی بر اهمیت نقش مدیران غیرموظف در بهبود و افزایش دقت پیش‌بینی سود پیشنهاد می‌گردد راهکارهایی در زمینه تقویت عملکرد مدیران غیرموظف در ترکیب هیأت مدیره ارائه گردد. برای مثال، در این راستا می‌توان از عضویت طولانی مدت آنان در ترکیب هیأت مدیره جلوگیری کرد تا از این راه استقلال آنان افزایش و در نتیجه کارآمدی آنان بهبود یابد. همچنین، با توجه به عدم رابطه معنادار آماری بین مالکیت نهادی و دقت پیش‌بینی سود که احتمالاً ناشی از این موضوع است که در ایران عمده سهامداران نهادی از نهادهای دولتی و شبه دولتی هستند که وابستگی آنان به دولت موجب کاهش انگیزه آنان در نظارت موثر بر کیفیت فرآیند گزارشگری مالی می‌گردد، پیشنهاد می‌گردد با اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ و خصوصی‌سازی و در نتیجه افزایش مالکیت خصوصی، زمینه لازم برای ارتقای کیفیت گزارشگری مالی و افزایش دقت پیش‌بینی سود فراهم گردد.

حسابرسی به عنوان شاخصی از کیفیت حسابرسی تعریف می‌گردد، در حالی که خیلی از موسسات حسابرسی مورد اعتماد بورس از نظر کیفیت حسابرسی نسبت به سازمان حسابرسی جایگاه مطلوبتری دارند و در صورتی که معیار دیگری در نظر گرفته می‌شد، شاید نتیجه دیگری حاصل می‌گردید.

فرضیه ۴:

بین دوگانگی وظیفه مدیر عامل و دقت پیش‌بینی سود توسط مدیریت رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نگاره ۳، میزان آماره t و سطح معناداری مربوط به متغیر دوگانگی وظیفه مدیر عامل (۰/۱۱۹) حاکی از عدم رابطه معنادار آن با دقت پیش‌بینی سود در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. اگر چه، زمانی که مدیر عامل همزمان رئیس هیأت مدیره است، ممکن است به تضاد منافع و از دست رفتن استقلال وی منجر گردد و از سوی دیگر، قدرت تصمیم‌گیری متمرکز در نتیجه دوگانگی وظیفه مدیر عامل موجب کاهش استقلال هیأت مدیره و کاهش گرایش طبیعی آن برای افشای اطلاعات با کیفیت می‌گردد، اما نتایج حاکی از عدم رابطه معنادار منفی یا مثبت بین دوگانگی وظیفه مدیر عامل و دقت پیش‌بینی سود است.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق رابطه بین برخی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و دقت پیش‌بینی سود بررسی شد. بدین منظور یک مدل رگرسیونی چند متغیره که در آن سطح خطای پیش‌بینی سود به عنوان متغیر وابسته و برخی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، نظیر درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره، مالکیت نهادی، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و نوع حسابرس به عنوان

پیشنهاد برای تحقیقات آتی

با توجه به اطلاعاتی که در طول انجام این تحقیق حاصل گردید، موضوع‌های زیر برای انجام تحقیقات آتی در راستای موضوع این تحقیق پیشنهاد می‌گردد:

۱- با توجه به این که در تحقیق حاضر، به منظور بررسی رابطه ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و دقت پیش‌بینی سود، تنها تعدادی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی مورد توجه قرار گرفت، پیشنهاد می‌گردد همین موضوع با در نظر گرفتن سایر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، نظیر تمرکز مالکیت، نفوذ مدیرعامل، اندازه هیأت مدیره، اتکای بر بدهی و غیره بررسی گردد.

۲- بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی با استفاده از شاخص جامع حاکمیت شرکتی بر دقت پیش‌بینی سود.

۳- بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر سایر ویژگی‌های پیش‌بینی سود نظیر سوگیری و به موقع بودن.

منابع

۱- ابراهیمی کردلر، علی و محمد جواد اعرابی. (۱۳۸۹). «تمرکز مالکیت و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران»، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، ش ۲، شماره پیاپی ۴، صص ۹۵-۱۱۰.

۲- اسماعیل زاده مفری، علی، محمد جلیلی و عباس زند عباس‌آبادی. (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران»، مجله حسابداری مدیریت، سال سوم، ش ۷، صص ۵۱-۶۳.

۳- آقایی، محمد علی و پری چالاکی. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران»، تحقیقات حسابداری، سال اول، ش ۴، صص ۷۷-۵۴.

۴- عرب صالحی، مهدی و محمد علی حسین ضیایی. (۱۳۸۹). «ارتباط بین نظام راهبری و کیفیت سود در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران»، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، ش ۵، صص ۳۹-۵۶.

۵- مشایخ، شهناز و مریم اسماعیلی. (۱۳۸۵). «بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران»، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ش ۴۵، صص ۲۵-۴۴.

۶- مشایخ، شهناز و مهدی محمدآبادی. (۱۳۸۹). «رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با کیفیت سود»، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، ش ۲، شماره پیاپی ۸، صص ۱۷-۳۲.

۷- مهرانی، کاوه و محمد حسین صفرزاده. (۱۳۹۰). «تبیین رابطه حاکمیت شرکتی و کیفیت سود با رویکرد بومی». مجله دانش حسابداری، سال دوم، ش ۷، صص ۶۹-۹۸.

۸- نصرالهی، زهرا و زهره عارف منش. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه مالکیت و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران»، مجله دانش حسابداری، سال اول، ش ۳، صص ۱۱۷-۱۳۸.

9-Ajinkya, B., Bhojraj, S. and Sengupta, P.(2005). The association between outside directors, institutional investors and the properties of management earnings

- IPOs. *International Journal of Accounting*, Vol. 41 No. 3, pp. 209-36.
- 20- Fama, E. F. and M.C. Jensen. (1983). The Separation of ownership and control. *The Journal of Law and Economics*, 26:301-325.
- 21-Firth, M. and Smith, A. (1992). The accuracy of profits forecasts in initial public offerings prospectuses. *Accounting & Business Research*, Vol. 22 No. 87, pp. 239-47.
- 22- Goodwin & Lin Seow. (2002). the Influence of Corporate Governance Mechanisms on the Quality of Financial Reporting and Auditing: Perceptions of Auditors and Directors in Singapore. *Accounting and Finance*, Vol. 42, pp. 195-223.
- 23-Haniffa, R. M. and Cooke, T. E. (2002). Culture, corporate governance and disclosure in Malaysian corporations. *Abacus*, 38: 317-49.
- 24-Jaggi, B., Chin, C., Lin, H.W. and Lee, P.(2006). Earnings forecast disclosure regulation and earnings management: evidence from Taiwan IPO firms. *Review of Quantitative Finance & Accounting*, Vol. 26, pp. 275-99.
- 25-Jelic, B., Saadouni, B. and Briton, R. (1998). The accuracy of earnings forecasts in IPO prospectuses on the Kuala Lumpur Stock Exchange. *Accounting & Business Research*, Vol. 29 No. 3, pp. 57-62.
- 26-Jensen, M.C. (1993). The Modern industrial Revolution, Exit, and the failure of the internal control systems. *Journal of Finance*, 48, 831-880.
- 27-Karamanou, Irene and Vafeas, Nikos. (2005).The Association between Corporate Boards, Audit Committees, and Management Earnings Forecasts: An Empirical Analysis. *Journal of Accounting Research*, Vol. 43, pp. 453-486.
- 28- Lee, P.J., Taylor, S.J. and Taylor, S.L. (2006). Auditor conservatism and audit quality: evidence from IPO earnings forecasts. *International Journal of Auditing*, Vol. 10, 183-99.
- 29-Lin, Z. J.; and M. Liu. (2009). The Impact of Corporate Governance on Auditor Choice: Evidence from China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*. 44-59.
- forecasts, *Journal of Accounting Research*, 43: 343-75.
- 10-Bamber, L. Cheon, S. (1998). Discretionary Management Earnings Forecast Disclosure: Antecedents and Outcomes Associated with Forecast Venue and Forecast Specificity Choices. *Journal of accounting reaserch*. NO.36 Vol.2 Autumn: 167-190.
- 11-Brown, L. D.; G. D. Richardson; and S. J. Schwager. (1987). An Information Interpretation of Financial Analyst Superiority in Forecasting Earnings. *Journal of Accounting Research* 25: 49-67.
- 12- Bedard, J., Coulombe, D. and Cousteau, L.(2008). Audit committee, underpricing of IPOs, and accuracy of management earnings forecasts. *Corporate Governance: An International Review*, Vol. 16 No. 6, pp. 519-35.
- 13- Beekes, W. and Brown, P.(2006). Do better-governed Australian firms make more informative disclosures? *Journal of Business Finance & Accounting*, Vol. 33, pp. 422-50.
- 14-Chan, et al.(1996). Possible factors of the accuracy of prospectus earnings forecasts in Hong Kong. *International Journal of Accounting*, 31: 381-398.
- 15- Chen, A., Kao, L., Tsao, M. and Wu, C. (2007). Building a corporate governance index from the perspectives of ownership and leadership for firms in Taiwan. *Corporate Governance: An International Review*, Vol. 15, pp. 251-61.
- 16-Cheng, E. and Courtenay, S.(2006). Board composition, regulatory regime and voluntary disclosure. *International Journal of Accounting*, Vol. 41, pp. 262-89.
- 17-Cheng T.Y., and M. Firth. (2000). an empirical analysis of the bias and rationality of profit forecasts published in new issue prospectuses. *Journal of Business Finance & Accounting*, 27: 423-446.
- 18-Chin, C.L., Klein man, G., Lee, P. and Lin, M.F. (2006). Corporate ownership structure and accuracy and bias of mandatory earnings forecast: evidence from Taiwan. *Journal of International Accounting Research*, Vol. 5 No. 2, pp. 41-62.
- 19- Cormier, D. and Martinez, I. (2006). The association between management earnings forecasts, earnings management, and stock market valuation: evidence from French

- 32-Whetten, D. A. (1988). Sources, responses and effects of organizational decline. In: Cameron, K. S., Sutton, R. I. and Whetten, D. A. (eds) *Readings in Organizational Decline: Frameworks, Research, and Prescriptions*, 151-174. Ballinger, Cambridge, MA.
- 30-Lim, S., Matolcsy, Z. and Chow, D. (2007). The association between board composition and different types of voluntary disclosure. *European Accounting Review*, 16: 555-83
- 31-Nurwati A. et al. (2010). Corporate governance and earnings forecasts accuracy, *Asian Review of Accounting* Vol. 18 No. 1, 50-67